

Research Paper

Comparison of the Results of 12-year Iranian Nonclinical Sample in the Combined Indicators of Rorschach Comprehensive System with the Results of Exner Sample



Nafise Hadei*¹, Mohamad Reza Shairi²

1. M.A. in Clinical Psychology, Faculty of Humanity Science, Shahed University, Tehran, Iran

2. Associate professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Humanity Science, Shahed University, Tehran, Iran

Citation: Hadei N, Shairi MR. Comparison of the results of 12-year Iranian nonclinical sample in the combined indicators of Rorschach comprehensive system with the results of Exner sample. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2019; 6(3): 281-294.

 <http://dx.doi.org/10.29252/jcmh.6.3.24>

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Keywords:

Projective test,
Rorschach test,
Exner's comprehensive
system,
combined indicators,
student

Received: 9 May 2018

Accepted: 20 Nov 2018

Available: 16 Nov 2019

Background and Purpose: The Rorschach test is one of the most popular projection tests that has been subject to numerous studies since its development. Given the role of culture and the norms necessary for all ages in a society, the present study aimed to comparison of the results of 12-year Iranian nonclinical sample in the combined indicators of Rorschach comprehensive system with the results of Exner sample.

Method: The present study is a descriptive and casual-comparative study. The statistical population of this study included all 12-year-old students who were in the sixth grade of Tehran elementary schools in the academic year 2017-2018. 99 children (48 boys and 51 girls) from 5 educational districts of Tehran were selected by cluster sampling and evaluated by Rorschach test. After performing the test, the results were analyzed using t-test of two independent groups.

Results: The results show that there is a significant difference between Iranian sample and Exner sample (2003) in some of the combined indicators, such as EA and ES ($p < 0.05$ & $p < 0.01$).

Conclusion: The results of the differences between the Iranian and the Exner (2003) sample emphasize the role of cultural differences as one of the influencing factors in the results. Therefore, it is essential to develop norms appropriate to Iranian society and culture.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* **Corresponding author:** Nafise Hadei, M.A. in Clinical Psychology, Faculty of Humanity Science, Shahed University, Tehran, Iran.
E-mail addresses: Nafisehadi0098@gmail.com

مقاله پژوهشی

مقایسه نتایج نمونه غیربالینی ۱۲ ساله ایرانی در شاخص‌های ترکیبی نظام جامع رورشاخ با نتایج نمونه اکسنر

نفیسه هادئی*^۱، محمد رضا شعیری^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

مشخصات مقاله

چکیده

کلیدواژه‌ها:

آزمون فرافکن،
آزمون رورشاخ،
نظام جامع اکسنر،
شاخص ترکیبی

زمینه و هدف: آزمون رورشاخ یکی از مشهورترین آزمون‌های فرافکن است که از زمان ابداع تاکنون، پژوهش‌های متعددی را به خود اختصاص داده است. با توجه به نقش فرهنگ و وجود هنجارهای لازم برای همه سنین در یک جامعه، پژوهش حاضر با هدف تعیین چگونگی نتایج شاخص‌های ترکیبی نظام جامع رورشاخ روی نمونه غیربالینی ۱۲ ساله ایرانی و مقایسه نتایج با یافته‌های نمونه‌های غیربالینی و غیر ایرانی (اکسنر، ۲۰۰۳) در سنین مشابه انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی دانش‌آموزان ۱۲ ساله بوده که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ در پایه ششم مقطع ابتدایی مدارس شهر تهران مشغول به تحصیل بوده‌اند. از این تعداد، ۹۹ کودک ۱۲ ساله (۴۸ پسر و ۵۱ دختر) از ۵ منطقه آموزش و پرورش شهر تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شده و با آزمون رورشاخ مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. بعد از اجرای آزمون، نتایج حاصل از آن با استفاده از آزمون t دو گروه مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که بین نمونه ایرانی و نمونه اکسنر (۲۰۰۳) تفاوت قابل ملاحظه‌ای در برخی از شاخص‌های ترکیبی مانند تجربه واقعی و تحریک تجربه شده وجود دارد ($p < 0/05$ و $p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به دست آمده مبنی بر وجود تفاوت بین نمونه ایرانی و نمونه اکسنر (۲۰۰۳) می‌توان به نقش تفاوت‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در نتایج، اشاره کرد؛ بنابراین از دیدگاه فرهنگی، تهیه هنجارهای متناسب با جامعه ایرانی، بسیار ضروری است.

دریافت شده: ۹۷/۰۲/۱۹

پذیرفته شده: ۹۷/۰۸/۲۹

منتشر شده: ۹۸/۰۸/۲۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* نویسنده مسئول: نفیسه هادئی، کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

رایانامه: Nafisehadi0098@gmail.com

تلفن تماس: ۰۲۱-۵۱۲۱۵۰۸۰

مقدمه

هرمان رورشاخ^۱ در سال ۱۹۲۱ برای اولین بار با انتشار رساله معروف خود به نام «تشخیص روانی»، اثر کنونی و مشهور آزمون رورشاخ را تدوین کرده و شیوه نمره‌گذاری آن را نیز سازمان داد (۱). این آزمون یکی از معروف‌ترین آزمون‌های فرافکن جهان است. فرض اصلی آن این است که محرک‌های محیطی به وسیله نیازها، انگیزه‌ها، تعارض‌ها و آمایه ادراکی شخص، سازمان داده می‌شوند. این نیاز به سازمان دادن هنگامی که آزمودنی‌ها با محرک‌های مبهم مانند لکه‌های جوهر روبه‌رو می‌شوند، اغراق‌آمیزتر، گسترده‌تر، و بارزترند. بدین ترتیب افراد باید تصورها، افکار، و روابط درونی خویش را بیرون کشیده تا بتوانند پاسخی به وجود آورند که این فرایند مستلزم سازمان‌دهی ادراک‌ها و مرتبط ساختن آنها با تجارب و برداشت‌های گذشته فرد است. تفسیر رورشاخ نیز مبتنی بر این نکته است که نحوه سازمان‌دهی افراد به پاسخ‌هایشان به آزمون رورشاخ، معرف چگونگی برخورد آنها با سایر موقعیت‌های مهمی است که مستلزم قضاوت و سازمان‌دهی است (۲).

پس از مرگ رورشاخ، پژوهش‌های متعددی درباره این ابزار بالینی ارزشمند ادامه یافت به طوری که تا سال ۱۹۵۷، پنج نظام برای نمره‌گذاری و کدگذاری رورشاخ توسط بک^۲، پیتروفسکی^۳، هرتر^۴، راپاپورت^۵ و کلاپفر^۶ مطرح شد. به گونه‌ای که این آزمون به سبب این ۵ نظام نمره‌گذاری نه به صورت آزمونی واحد، که به صورت ۵ نظام مختلف درآمد. تا زمانی که اکسندر^۷ و همکارانش به گردآوری داده‌های پایه هنجار و تدوین یک نظام نمره‌گذاری و تفسیر یکپارچه پرداختند. آنها سعی کردند بهترین ویژگی‌های نمره‌گذاری و تفسیر را از میان پنج نظام مذکور انتخاب کنند (۲).

اکسندر کوشیده است با واری‌های شرایط سنین متعدد، نتایج مربوط به متغیرهای رورشاخ را از کودکی تا بزرگسالی فراهم کند. وی جداول هنجاری ارائه داده که امکان تفسیر پاسخ‌های آزمودنی‌ها را با توجه به سن فراهم می‌کند، زیرا تفسیر در نظام رورشاخ وابسته به الگوهای

تنظیم‌شده در خلاصه ساختاری است که آن نیز از برخی جنبه‌ها به یافته‌های هنجاری متکی است (۱ و ۳).

باید توجه داشت یکی از ابزارهایی که حتی به طور مکرر در پژوهش‌های روان‌شناختی بین‌فرهنگی از آن استفاده می‌شود، آزمون رورشاخ است. مؤلفان این آزمون ادعا داشته‌اند که این ابزار، به سواد و فرهنگ وابسته نیست (۴). یکی از دلایل این ادعا این است که لکه‌های جوهر رورشاخ، دقیقاً شبیه به نماد متعلق به فرهنگ خاصی نیستند و آنها تنها شکل‌های نسبتاً مبهمی هستند. در هر صورت، تفسیر آزمون رورشاخ با معیارهای جوامع غربی سبب می‌شود که پاسخ‌های افراد در مقایسه با میانگین پاسخ‌های غربی، نرمال یا غیرنرمال محسوب شوند. به عنوان مثال پاسخ رایج در بین آزمودنی‌های آمریکایی یا بریتانیایی برای هر کارت متفاوت از پاسخ رایج مردم فرهنگ‌های دیگر برای آن کارت است (۵). شواهد نیز نشان می‌دهند که آزمون‌های فرافکنی مثل رورشاخ نیز مانند آزمون‌های عینی نسبت به تأثیرهای فرهنگی حساس هستند. برای مثال ماتسوموتو، سوزوکی، شیرایی و ناکابایاشی (۶) دریافتند که کودکان ژاپنی نمرات پایین‌تری در شاخص‌های تجربه واقعی و تحریک تجربه‌شده داشته و نمرات بالاتری در شاخص لامبدا داشتند که نشانگر فروتنی در بیان هیجانی و کلامی آنها است.

اساس نمره‌گذاری در این نظام، متغیرهای محل ادراک^۸ (فضایی از لکه جوهر که برای تداعی پاسخ مورد استفاده قرار می‌گیرد)، تعیین‌کننده^۹ (سبک یا مشخصه لکه که آزمودنی به آن پاسخ می‌دهد، مانند شکل یا رنگ)، محتوا^{۱۰} (نوع و مقدار اشیاء خاصی که آزمودنی‌ها در پاسخ‌هایشان ادراک می‌کنند)، و پاسخ‌های رایج^{۱۱} (پاسخ‌هایی که فراوانی ادراک آنها توسط آزمودنی‌ها زیاد است) هستند. همچنین نظام جامع شامل ۱۲ نمره ویژه مربوط به لفاظی غیرمعمول و حرکات پرخاشگرانه و نمرات ترکیبی است که از نمرات اصلی اتخاذ می‌شوند (۲). تفسیر رورشاخ، فرایندی است نه ساده و مکانیکی. برعکس فرایند تفسیر پیچیده است، زیرا لازم است آزمونگر چهارچوب مفهوم‌سازی

1. Herman Rorschach
2. Beck, S. J
3. Piotrowski, Z.
4. Hertz, M
5. Rappaport, D.
6. Klopfer, B.

7. Exner
8. Location
9. Determinants
10. Content
11. Popular

رورشاخ نمره‌گذاری شده و شاخص‌های ترکیبی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. از آنجایی که شاخص‌های تفسیری رورشاخ اطلاعات جامع‌تر و دقیق‌تری از فرد را به ما می‌دهد، این پژوهش در ادامه پژوهش شعیری و هادئی (۱۹) به شاخص‌های ترکیبی اشاره دارد؛ بنابراین با توجه به تمهیدات یاد شده و نقش فرهنگ، سن، جنسیت و یافته‌های ویژه یک جامعه در مورد متغیرهای رورشاخ، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا نتایج نمونه غیربالینی ۱۲ ساله ایرانی در شاخص‌های ترکیبی نظام جامع رورشاخ با نتایج نمونه غیربالینی و غیر ایرانی اکسنر (۳ و ۷) در سنین مشابه متفاوت است؟

روش

الف) جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۲ ساله پایه ششم ابتدایی (متولدین سال ۱۳۸۳) مدارس شهر تهران در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بوده‌اند. از این جامعه ۹۹ دانش‌آموز دختر و پسر ۱۲ ساله (۴۸ پسر، ۵۱ دختر) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای (طی ۳ مرحله) به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. بدین منظور نخست به تصادف پنج منطقه از مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکز تهران (مناطق ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۴) برای بررسی انتخاب شد. سپس در هر منطقه دو مدرسه اصلی و دو مدرسه ذخیره دخترانه و پسرانه برای اجرای آزمون رورشاخ انتخاب شدند. با توجه به این نکته که در مطالعات خارجی حداقل نمونه ۴۲ نفر (۶ و ۱۲) و حداکثر ۱۸۰ کودک برای این گونه مطالعات (به نقل از ۲۰) ذکر شده است، در مجموع ۱۰۵ آزمودنی در این مطالعه مورد آزمون قرار گرفتند که با توجه به کامل نبودن صورت جلسه کلی شش آزمودنی، در نهایت تحلیل داده‌ها بر مبنای ۹۹ صورت جلسه کلی انجام شد. داده‌های مربوط به نمونه اکسنر (۲۰۰۳) شامل ۱۲۰ کودک غیربالینی ۱۲ ساله است که به‌عنوان داده‌های هنجاری در نظام جامع از آن استفاده شده است. این نمونه شامل جمعیت غیربالینی است، اما سایر اطلاعات جمعیت شناختی نظیر مشخصات اعضای خانواده و وضعیت تحصیلی از این نمونه در دسترس نیست (۲۰).

منطقی که بدون آن تدوین نتیجه‌گیری‌های بامعنا غیرممکن است را حفظ کند و به‌طور مداوم درگیر ادغام داده‌ها باشد. فرایند تفسیر معمولاً با روش مولکولی آغاز می‌شود، روشی که طبق آن داده‌های یک خوشه (متغیرهای درون هر خوشه) به‌تنهایی و سپس در ارتباط با تعداد کمی از متغیرها بررسی می‌شوند. در فرایند تفسیر هفت خوشه وجود دارد که مربوط به خصیصه‌های پایه‌ای افراد هستند. برخی داده‌ها در بیش از یک خوشه وجود دارند که به این خاطر است که آنها می‌توانند مربوط به بیش از یک خصیصه یا عملکرد روان‌شناختی باشند (۷).

در سال‌های گذشته، نظام اکسنر به نظامی فراگیر در نمره‌گذاری و کدگذاری رورشاخ مبدل شده و با تأکیدی که این نظام بر وجود هنجارهای لازم برای سنین مختلف دارد، سبب شده تا در فرهنگ‌ها و کشورهای متعدد، پژوهش در این زمینه، از سنین کودکی تا بزرگسالی گسترش یابد؛ زیرا استفاده‌های بالینی از ابزار رورشاخ مستلزم بررسی پاسخ‌های آزمودنی‌ها و مقایسه آنها با زمینه‌های هنجاری اکسنر است. در سال‌های اخیر نیز مطالعاتی با تأکید بر نظام جامع اکسنر در کشورهای مختلف و در سنین مختلف به‌ویژه بر روی کودکان سنین ۶ تا ۱۲ سال صورت گرفته است (۶، ۱۳-۸).

در ایران نیز پژوهش‌های محدودی در مورد آزمون رورشاخ بر روی کودکان و نوجوانان انجام شده است (۱۴-۱۸). بیشتر پژوهش‌های انجام شده درباره این آزمون روی بزرگسالان بوده و پژوهش‌ها در این زمینه در مورد کودکان محدود بوده‌اند. با این وجود، تفاوت نمرات آزمودنی‌ها از هنجارهای موجود نشان‌دهنده نیاز به تهیه هنجارهای متناسب با فرهنگ و جامعه ایران است؛ زیرا هنگامی که هنجارهای مربوط به یک فرهنگ ایجاد شوند و افراد در بافت فرهنگی خاص خود مورد مطالعه قرار گیرند، می‌توان سهم واریاسی که به آسیب واقعی و تفاوت‌های فردی اختصاص می‌یابد، به‌درستی بیان کرد. همچنین توجه به این نکته مهم است که امکان به‌کارگیری آزمون رورشاخ بر مبنای نظام اکسنر، متکی به یافته‌ها و نتایج مربوط به آزمودنی‌های همان سنین در جامعه موردنظر است؛ زیرا تفسیر نتایج فرد ممکن نیست، مگر اینکه ما نتایج سنین مختلف را در متغیرهای متعدد رورشاخ داشته باشیم. همچنین پژوهش‌هایی که دلاوری، شعیری و اصغری مقدم (۱۶) کاشفی، شعیری و اصغری مقدم (۱۷)، و محسنی زاده و شعیری (۱۸) انجام داده‌اند بر اساس نمرات بنیادی

نمره گذاری سیستم جامع اکسنر بسیار بالا و میانگین همبستگی‌های درون طبقه‌ای از ۰/۸۲ تا ۰/۹۲ گزارش شده است. در ایران نیز پیغمبری و همکاران (۲۲) اعتبار آزمون رورشاخ را با فاصله بازآزمایی یک هفته در مورد بیشتر متغیرهای رورشاخ، مطلوب ارزیابی کرد. همچنین رحمانی در مطالعات خود (۲۳ و ۲۴) روایی^۲ شاخص‌های افسردگی و اضطراب را بررسی کرد که بر اساس نتایج به دست آمده، روایی آزمون رورشاخ را برای این شاخص‌ها، مناسب و مطلوب ارزیابی کرد.

ج) روش اجرا: بعد از کسب مجوزهای لازم، ملاک انتخاب کودکان مورد مطالعه در این پژوهش این بود که در مدرسه و خانه طبق نظر مربیان و والدین از نظر رفتاری به سازش نیافتگی، مشهور نباشند. اجرای آزمون در اتاقی واقع در مدرسه کودکان که دارای نور مناسب و آرامش کافی بود، انجام شد. جلسه اجرای آزمون، با برقراری ارتباط روان شناختی با آزمودنی‌ها و اخذ اطلاعات جمعیت شناختی دنبال می‌شد. سپس بر اساس روش اجرای اکسنر، لوح‌های رورشاخ اجرا می‌شدند. پس از اجرا مرحله کدگذاری و نمره گذاری آزمون پی گرفته شد.

به منظور رعایت نکات اخلاق پژوهش، رضایت داوطلبانه والدین کودکان برای شرکت در پژوهش به صورت کتبی اخذ و تصریح شد که شرکت کنندگان در صورت تمایل می‌توانند به همکاری خود با پژوهشگر خاتمه دهند.

یافته‌ها

در بخش یافته‌ها شاخص‌هایی مانند میانگین و انحراف استاندارد برای همه متغیرهای مورد بررسی مبتنی بر نظام اکسنر به دست آمد و برای مقایسه نتایج آزمودنی‌های ایرانی و غیر ایرانی از آزمون مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مستقل (آزمون t) استفاده شده است.

ب) ابزار: ابزار استفاده شده در این مطالعه، آزمون لکه جوهر رورشاخ بوده است. این ابزار یک آزمون فرافکن متشکل از ۱۰ لکه جوهر به اشکال متقارن در ابعاد ۹×۵ اینچ است. ۵ کارت سیاه و سفید (I، IV، V، VI، VII)، دو کارت سیاه و سفید با قسمت‌های قرمز رنگ (II، III)، دو کارت با ترکیبی از رنگ‌های صورتی، سبز، و نارنجی (VIII، IX) و کارت دیگر (X) ترکیبی از رنگ‌های آبی، زرد، سبز، و صورتی است. لوح‌ها به ترتیب و در جهت معینی به دست آزمودنی داده می‌شوند و سپس آزماینده از او می‌پرسد «این چه ممکن است باشد؟». پاسخ‌ها باید درست کلمه به کلمه یادداشت شوند. سپس در مرحله واریسی، محل و ویژگی‌های خاص لکه‌ها که برانگیزاننده پاسخ‌های آزمودنی بوده است، مشخص می‌شود. پس از آنکه پاسخ‌ها ارائه و ثبت شدند و واریسی نیز انجام شد، برحسب سه مقوله کلی، نمره گذاری انجام می‌شود: الف) «محل ادراک»؛ محل ادراک به فضایی از لکه جوهر گفته می‌شود که برای تداعی پاسخ مورد استفاده قرار گرفته است. محل ادراک ممکن است از تمامی لکه تا استفاده از جزء کوچک را شامل شود. ب) «محتوا»؛ نمره گذاری محتوا به نوع و مقدار اشیاء خاصی که آزمودنی‌ها در پاسخ‌هایشان ادراک می‌کنند مبتنی است، مانند انسان، حیوان، گیاه، هنر خون، طبیعت و ... ج) «تعیین کننده»؛ به سبک یا مشخصه‌ای از لکه گفته می‌شود که باعث برانگیختن پاسخ آزمودنی می‌شود، مانند شکل، رنگ، بافت، سایه‌داری (۲).

در این پژوهش مبنای اجرا و نمره گذاری پاسخ‌های آزمودنی‌ها، نظام جامع اکسنر (۲، ۳ و ۷) است. اکسنر و همکارانش به گردآوری داده‌های پایه هنجار و تدوین یک نظام نمره گذاری و تفسیر یکپارچه پرداختند. در این نظام هر طبقه نمره گذاری تنها در صورتی که اعتبار^۱ ارزیابی آن توسط آزمایش کنندگان مختلف دست کم ۰/۸۵ بود، گنجانده می‌شد (۲). بررسی مایر (۲۱) نیز نشان داد که ضریب اعتبار بین آزمونگرها در

1. Reliability

2. Validity

جدول ۱: نتایج مربوط به مقایسه میانگین‌های نمونه‌های ۱۲ ساله ایرانی و اکستر (۲۰۰۳) در متغیرهای رورشاخ

متغیر	نمونه	ایرانی (n=۹۹)		اکستر (n=۱۲۰)		مشاهده شده	t
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
گستره	لامبدا (LAMBDA)	۲/۵۴	۳/۲۷	۰/۶۶	۰/۵۸	۴/۵۶ ^{oo}	
	پاسخ کلی (W)	۵/۱۶	۳/۱۰	۸/۷۹	۱/۸۵	-۵/۷۰ ^{oo}	
	پاسخ جز معمول (D)	۱۰/۱۵	۵/۰۲	۱۰/۸۵	۱/۹۶	-۱/۷۰	
	پاسخ جز غیر معمول (Dd)	۵/۹۴	۴/۹۶	۱/۷۶	۱/۱۱	۴/۴۴ ^{oo}	
	پاسخ به ناحیه سفید (S)	۱/۶۶	۳/۲۲	۱/۹۲	۰/۷۶	۲/۲۱ ^o	
	پاسخ حرکت انسانی (M)	۱/۵۶	۱/۹۱	۴/۲۱	۲/۰۶	-۶/۰۹ ^{oo}	
	حرکت انسانی دقیق (M+)	۰/۵۷	۰/۸۵	۰/۱۰	۰/۳۰	۸/۳۴ ^{oo}	
	حرکت انسانی معمولی (Mo)	۰/۷۲	۰/۹۹	۳/۲۱	۱/۵۲	-۶/۷۰ ^{oo}	
	حرکت انسانی غیر معمول (Mu)	۰/۲۸	۰/۶۵	۰/۶۷	۰/۵۱	-۸/۱۸ ^{oo}	
	حرکت انسانی تحریف شده (M-)	۰/۳۰	۰/۷۲	۰/۲۲	۰/۴۱	-۵/۱۱ ^{oo}	
تعیین کننده	پاسخ شکل-رنگ (FC)	۱/۲۴	۱/۲۴	۲/۸۷	۱/۱۷	-۷/۹۲ ^{oo}	
	پاسخ رنگ-شکل (CF)	۱/۱۲	۱/۲۱	۳/۱۴	۱/۴۰	-۸/۰۴ ^{oo}	
	پاسخ رنگ خالص (C)	۰/۱۵	۰/۶۴	۰/۳۹	۰/۱۳	-۸/۴۹ ^{oo}	
	پاسخ نامیدن رنگ (Cn)	۰/۰۶	۰/۶۰	۰/۰	۰/۰	۴/۵۳ ^{oo}	
فعالیت سازمانی	مجموعه پاسخ‌های رنگ (SumC)	۲/۵۱	۱/۹۴	۴/۰۵	۱/۷۸	-۴/۴۹ ^{oo}	
	پاسخ‌های فعال (Active)	۲/۴۸	۲/۲۷	۶/۵۳	۱/۴۵	-۸/۰۴ ^{oo}	
	پاسخ‌های منفعل (Passive)	۳/۰۴	۲/۲۰	۴/۰۰	۲/۰۱	-۳/۴۸ ^{oo}	
	حرکت انسانی فعال (Ma)	۰/۷۶	۱/۲۳	۲/۴۷	۰/۸۰	-۹/۵۸ ^{oo}	
	حرکت انسانی منفعل (Mp)	۱/۲۰	۱/۲۶	۱/۷۳	۱/۶۰	-۳/۷۳ ^{oo}	
	فراوانی فعالیت سازمانی (Zf)	۸/۵۸	۳/۶۵	۱۳/۱۴	۱/۹۶	-۵/۵۸ ^{oo}	
	کارایی پردازش (Zd)	-۰/۵۹	۴/۵۱	۱/۶۷	۲/۱۱	-۳/۲۹ ^{oo}	
	تجربه واقعی (EA)	۳/۹۱	۲/۷۸	۸/۲۶	۲/۳۸	-۶/۰۵ ^{oo}	
	تحریک تجربه شده (es)	۵/۱۲	۳/۶۱	۸/۹۷	۲/۵۹	-۴/۷۳ ^{oo}	
	نمره D	-۰/۳۳	۱/۰۸	-۰/۲۱	۰/۵۳	-۳/۱۳ ^{oo}	
نمرات ترکیبی	نمره D اصلاح شده (AdjD)	-۰/۲۰	۰/۸۶	-۰/۱۱	۰/۶۷	-۲/۹۴ ^{oo}	
	نسبت عاطفی (Afr)	۰/۵۶	۰/۲۰	۰/۶۵	۰/۱۱	-۱۴/۲۳ ^{oo}	
	شکل مناسب گسترش یافته (XA%)	۰/۷۳	۰/۱۶	۰/۹۰	۰/۰۶	-۲۶/۴۲ ^{oo}	
	شکل مناسب زمینه‌های شایع (WDA%)	۰/۷۲	۰/۱۶	۰/۹۳	۰/۰۵	-۳۰/۰۴ ^{oo}	
	شکل متعارف (X+%)	۰/۴۷	۰/۱۷	۰/۷۵	۰/۰۹	-۲۹/۸۲ ^{oo}	
	شکل تحریف شده (X-%)	۰/۲۴	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۰۶	۲۸/۴۵ ^{oo}	
	شکل نامعمول (Xu%)	۰/۲۴	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۰۵	۲۷/۰۵ ^{oo}	
	شاخص انزوا (Isolate)	۰/۲۲	۰/۵۱	۰/۱۵	۰/۰۴	۵/۷۳ ^{oo}	
	شاخص خودمحوری (3r(2)/R)	۰/۳۸	۰/۱۶	۰/۵۴	۰/۰۸	-۲۴/۲۹ ^{oo}	

۰/۷۴	۱/۴۶	۱/۰۵	۰/۵۹	-۳/۸۶ ^{oo}	شاخص توجه عقلی (Intellect)
۰/۰۵	۰/۲۲	۱/۲۱	۰/۵۵	-۱۸/۵۳ ^{oo}	کلام انحرافی (DV)
۰/۵۷	۰/۹۹	۱/۳۵	۰/۵۸	-۸/۳۱ ^{oo}	ترکیبات ناسازگار (INCOM)
۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۲۴	۰/۴۳	-۱۰/۶۹ ^{oo}	پاسخ انحرافی (DR)
۰/۱۶	۰/۴۶	۰/۲۶	۰/۵۳	-۴/۷۲ ^{oo}	ترکیبات افسانه‌ای (FABCOM)
۰/۰	۰/۰	۰/۰۳	۰/۱۶	-۱۰/۹۰ ^{oo}	سطح ۲ کلام انحرافی (DV2)
۰/۰۹	۰/۳۲	۰/۱۸	۰/۵۶	-۴/۷۹ ^{oo}	سطح ۲ ترکیبات ناسازگار (INC2)
۰/۰	۰/۰	۰/۰۳	۰/۱۶	-۱۰/۹۰ ^{oo}	سطح ۲ پاسخ انحرافی (DR2)
۰/۰۴	۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۲۰	۰/۰	سطح ۲ ترکیبات افسانه‌ای (FAB2)
۰/۳۸	۰/۸۰	۰/۰	۰/۰	۸/۵۵ ^{oo}	منطق نامناسب (ALOG)
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	-	آمیختگی (CONTAM)
۱/۴۱	۱/۵۹	۳/۳۳	۱/۱۱	-۷/۶۶ ^{oo}	جمع خام نمرات خاص (Sum6)
۰/۱۱	۰/۳۴	۰/۲۷	۰/۶۸	-۵/۳۹ ^{oo}	پاسخ‌های سطح ۲ (Lvl2)
۵/۱۷	۶/۱۲	۶/۸۶	۳/۸۵	-۱/۹۴	جمع وزنی نمرات خاص (Wsum6)
۰/۱۰	۰/۳۰	۰/۰۵	۰/۲۲	۶/۳۴ ^{oo}	محتوای انتزاعی (AB)
۰/۵۱	۰/۹۲	۱/۰۸	۰/۶۶	-۷/۱۴ ^{oo}	حرکت پرخاشگرانه (AG)
۰/۵۹	۰/۸۷	۱/۲۳	۰/۵۳	-۸/۴۷ ^{oo}	حرکت همیارانه (COP)
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	-	فرافکنی رنگ (CP)
۲/۴۵	۱/۷۰	۵/۷۷	۱/۸۴	-۷/۶۴ ^{oo}	بازنمایی انسانی خوب (GHR)
۱/۶۷	۲/۱۹	۱/۰۱	۰/۹۸	۳/۶۹ ^{oo}	بازنمایی انسانی ضعیف (PHR)
۰/۳۳	۰/۶۵	۰/۱۷	۰/۳۷	۵/۷۸ ^{oo}	محتوای مرضی (MOR)
۰/۲۴	۰/۶۵	۰/۹۳	۰/۳۶	-۱۲/۱۰ ^{oo}	پاسخ‌های شخصی شده (PER)
۰/۳۲	۰/۵۵	۰/۰۳	۰/۱۸	۱۰/۲۲ ^{oo}	درجاماندگی (PSV)

نمرات خاص

* $p \leq 0.05$ ** $p \leq 0.01$

نامیدن رنگ، مجموع پاسخ‌های رنگ، پاسخ فعال، پاسخ منفعل، حرکت انسانی فعال، حرکت انسانی منفعل، فراوانی فعالیت سازمان یافته، کارایی پردازش، تجربه واقعی، تحریک تجربه شده، نمره D، اصلاح شده، نسبت عاطفی، شکل مناسب گسترش یافته، شکل مناسب زمینه‌های شایع، شکل متعارف، شکل تحریف شده، شکل نامعمول، شاخص انزوا،

مقایسه میانگین‌های دو گروه ۱۲ ساله ایرانی و نمونه اکسندر در جدول ۱ نشان می‌دهد که تفاوت دو گروه در متغیرهای «لامبدا» پاسخ به ناحیه سفید، پاسخ کلی، پاسخ به جز غیرمعمول، حرکت انسانی، حرکت انسانی دقیق، حرکت انسانی معمولی، حرکت انسانی غیرمعمول، حرکت انسانی تحریف شده، پاسخ شکل رنگ، پاسخ رنگ شکل، پاسخ رنگ خالص،

زمینه، مرتبطاند (۷). در واقع این نسبت، شاخص کلی از میزان پاسخ‌دهی شخص نسبت به محرک، در برابر عدم پاسخ‌دهی وی است (۲). میزان بالای لامبدا ($L > 0/99$) در افراد ممکن است نشانگر محافظه‌کار بودن و ترس از درگیر شدن باشد. البته شاخص لامبدا در کودکان و نوجوانان به این دلیل که پاسخ‌های شکل خالص بالاتری دارند، بیشتر است (۲)، با این وجود بالاتر بودن این شاخص در کودکان ایرانی ممکن است نشان‌دهنده سبک پاسخ‌دهی ساده و اجتناب از موقعیت‌های پیچیده در بین کودکان ایرانی باشد که خود می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی بین این دو گروه نمونه باشد.

نمرات EA و es به ترتیب نشانگر تجربه واقعی و تحریک تجربه شده هستند. تجربه واقعی حجم فعالیت سازمان‌یافته‌ی فرد را نشان می‌دهد و در فرمول آن دو متغیر تعیین‌کننده وجود دارد که متغیرهای حرکت انسانی و پاسخ رنگ خالص نام دارند ($EA=M+C$). متغیر حرکت انسانی نشانگر این است که شخص تا چه اندازه قادر به سازمان‌دهی زندگی درونی خویش است و متغیر رنگ خالص، نشانگر این است که هیجان‌های فرد تا چه حد در دسترس هستند و این متغیرها هر دو بیانگر فعالیت سازمان‌یافته و سنجیده‌اند. از طرفی تحریک تجربه شده، از مجموع پاسخ‌های حرکت غیرانسانی و تمامی پاسخ‌های سایه‌داری تشکیل شده است ($+V C+T+Y es=FM+m+$). تمامی این پاسخ‌ها بیانگر نیروهای خارج از مهارتی است که بر شخص وارد می‌شود و در واقع شاخص تحریک تجربه شده، شاخصی از میزان در ماندگی و در هم‌ریختگی فرد است. در جمعیت بهنجار نمره تجربه واقعی نسبت به نمره تحریک تجربه شده بالاتر است و نسبت بین این دو، شاخصی از میزان تحمل فرد در برابر کام‌نا یافتگی است (۲). در اینجا ما شاهد این هستیم که تجربه واقعی و تحریک تجربه شده کودکان ۱۲ ساله ایرانی نسبت به نمونه اکسندر (۲۰۰۳) پایین‌تر است که نشانگر پایین‌تر بودن توانایی سازمان‌دهی کودکان ایرانی و همچنین پایین‌تر بودن در ماندگی و تحریک تجربه شده آنها است.

نمره $(EA-es)D$ شاخص دیگری از توانایی فرد برای تحمل تنیدگی روانی و وسیله‌ای است برای ارزیابی میزان منابعی که شخص در اختیار دارد (تجربه واقعی) در برابر مقدار رویدادهای سازمان‌نا یافته‌ای که نسبت به آنها مهارتی ندارد (تحریک تجربه شده). نمره پایین $D(1-)$ یا

شاخص خودمحوری، شاخص توجیه عقلی، کلام انحرافی، ترکیبات ناسازگار، پاسخ انحرافی، ترکیبات افسانه‌ای، سطح کلام انحرافی، سطح ۲ ترکیبات ناسازگار، منطق نامناسب، جمع خام نمرات خاص، پاسخ‌های سطح ۲، محتوای انتزاعی، حرکت پرخاشگرانه، حرکت همیارانه، بازنمایی انسانی خوب، بازنمایی انسانی ضعیف، محتوای مرضی، پاسخ‌های شخصی شده، و درجاماندگی» با توجه به مقادیر بحرانی در سطح آلفای ۰/۰۵ و ۰/۰۱.۰ معنادار است. نگاهی به نتایج نشانگر این نکته است که میانگین نمونه ایرانی در متغیرهای «لامبدا»، پاسخ جز غیرمعمول، حرکت انسانی دقیق، پاسخ نامیدن رنگ، شکل نامعمول، شاخص انزوا، منطق نامناسب، محتوای انتزاعی، حرکت پرخاشگرانه، حرکت همیارانه، بازنمایی انسانی ضعیف، محتوای مرضی، و درجاماندگی» بالاتر از نمونه اکسندر؛ و در متغیرهای «پاسخ کلی، حرکت انسانی، حرکت انسانی معمول، حرکت انسانی غیرمعمول، حرکت انسانی تحریف‌شده، پاسخ شکل رنگ، پاسخ رنگ شکل، پاسخ رنگ خالص، مجموع پاسخ‌های رنگ، پاسخ‌های فعال، پاسخ‌های منفعل، حرکت انسانی فعال، حرکت انسانی منفعل، فراوانی فعالیت سازمانی، کارایی پردازش، تجربه واقعی، تحریک تجربه شده، نمره D، نمره D اصلاح شده، نسبت عاطفی، شکل مناسب گسترش یافته، شکل مناسب زمینه‌های شایع، شکل متعارف، شکل تحریف‌شده، شاخص خودمحوری، شاخص توجیه عقلی، کلام انحرافی، ترکیبات ناسازگار، پاسخ انحرافی، ترکیبات افسانه‌ای، سطح ۲ کلام انحرافی، سطح ۲ ترکیبات ناسازگار، سطح ۲ پاسخ انحرافی، سطح ۲ ترکیبات افسانه‌ای، جمع خام نمرات خاص، پاسخ‌های سطح ۲، محتوای انتزاعی، حرکت همیارانه، بازنمایی انسانی خوب، و بازنمایی انسانی ضعیف» پایین‌تر از نمونه اکسندر است.

بحث و نتیجه‌گیری

مقایسه نتایج مربوط به آزمون رورشاخ در نمونه ایرانی با نمونه اکسندر این نکته را آشکار می‌کند که لامبدا، شاخصی که اولین بار توسط بک (۱۹۵۰) به کار گرفته شد و نشان‌دهنده نسبت پاسخ‌های شکل خالص به کل پاسخ‌های صورت‌جلسه کلی است، در کودکان ۱۲ ساله ایرانی نسبت به نمونه اکسندر بالاتر است. پاسخ‌های شکل خالص با فرایند پاسخ‌گویی به شیوه‌ای ساده و انکار روان‌شناسانه پیچیدگی و یا ابهام

کارت‌های ۱ تا ۷ به دست می‌آید و از آنجایی که سه کارت آخر رنگی هستند، بازتاب علاقه فرد به محرک‌های هیجانی است (۷). در این پژوهش پاسخ‌های نسبت عاطفی کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسندر پایین‌تر است که نشانگر این است کودکان ایرانی بیشتر خود را از هیجان‌هایشان جدا می‌کنند و مهار بیشتری بر عواطف خود دارند که با توجه به انتظارات جامعه ما از افراد در زمینه ابراز عاطفه و بازداری آن می‌توان بیان کرد که کودکان ما در ابراز هیجان خود، مهار شده و متناسب با هنجارهای جامعه عمل می‌کنند.

بخش اندیشه‌پردازی

این خوشه به نحوه‌ای که تفسیرهای صورت گرفته از دروندادها، مفهوم‌سازی و به کار برده می‌شوند، مربوط می‌شود. اندیشه‌پردازی مستلزم سازمان‌دهی نمادها یا مفاهیم به روشی است که برای فرد معنادار باشد (۷). این بخش شامل داده‌های فراوانی برای حرکت انسانی تحریف شده، حرکت انسانی، تعداد پاسخ‌های سطح ۲، جمع وزنی نمرات خاص، نسبت حرکات فعال به نافع، نسبت حرکت انسانی فعال به نافع، و شاخص توجیه عقلانی است.

باثبات‌ترین و مستقیم‌ترین نشانه‌های مفهوم‌سازی که جنبه مهمی از اندیشه‌پردازی است، در پاسخ‌های حرکت انسانی رخ می‌دهد و به این خاطر بهترین منابعی هستند که به وسیله آنها کیفیت و وضوح تفکر به طور ذهنی ارزیابی می‌شوند. کیفیت پاسخ‌های حرکت انسانی در تفسیر اهمیت دارد. پاسخ‌های حرکت انسانی دقیق و معمولی پاسخ‌هایی هستند که طرز بیان‌شان منطبق بر هدف است. این پاسخ‌ها همراه با پاسخ‌های حرکت انسانی غیرمعمول، پاسخ‌های غنی و منطقی‌اند که می‌توانند اطلاعاتی در مورد کیفیت اندیشه‌پردازی بیان کنند؛ در حالی که پاسخ‌های حرکت انسانی تحریف شده، بازتاب نوعی مفهوم‌سازی ابتدایی‌تر هستند (۷). در این بخش ما شاهد هستیم که پاسخ‌های حرکت انسانی دقیق کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسندر (۲۰۰۳) بالاتر بوده و سایر پاسخ‌های حرکات انسانی کودکان ایرانی پایین‌تر از نمونه اکسندر (۲۰۰۳) است که این ممکن است ناشی از کیفیت خوب ایده‌پردازی در نمونه کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسندر باشد. البته باید توجه داشت که این یافته با توجه به پایین‌تر بودن پاسخ‌های حرکات انسانی معمول و

کمتر) نشان می‌دهد که اندازه شاخص تحریک تجربه شده به طور نسبی بیشتر از تجربه واقعی است و شاخص ممکن است احساس در ماندگی کرده و نتواند با موقعیت‌های پیچیده و مبهم مقابله کند (۳). در اینجا نمره D نمونه اکسندر و کودکان ایرانی هر دو پایین‌تر از ۱ است، با این وجود در کودکان ایرانی این نسبت پایین‌تر است و ممکن است نشانگر پایین‌تر بودن توانایی تحمل کودکان ایرانی در برابر تنیدگی به خصوص تنیدگی موقعیتی باشد. نمره دیگری که در ارتباط با مهار تنیدگی مهم است، نمره D اصلاح شده است. در حالی که نمره D نشانگر ظرفیت کنونی فرد برای تحمل تنیدگی است، نمره D اصلاح شده شاخصی از ظرفیت معمول یا مرسوم فرد برای مهارگری است. این نمره از فرمول $Ea - Adjes$ محاسبه شده و در این فرمول، $Adjes$ مقیاس اصلاح شده تحریک تجربه شده است که نمرات سایه روشن و حرکت اشیای بیجان که نشانگر تنیدگی موقعیتی‌اند از آن حذف شدند و در نتیجه نشانگر توانایی معمول فرد برای مهار تنیدگی است. نمره D اصلاح شده (۱- یا کمتر) نشانگر این است که منابع افراد برای کنار آمدن با موقعیت‌های تنش‌آور کمتر از حد متوسط است و آنها در موقعیت‌های عادی و قابل پیش‌بینی، عملکرد بهتری دارند و چون موقعیت‌های جدید سبب می‌شود که به عدم تمرکز، آشفتگی و تکانشگری دچار شوند، انطباق با این موقعیت‌ها برایشان دشوار است (۲). در این بخش ما در هر دو نمونه ایرانی و اکسندر (۲۰۰۳) مشاهده می‌کنیم که نمرات D اصلاح شده کمتر از یک است و نشانگر پایین بودن منابع هر دو نمونه در مقابله با موقعیت‌های تنش‌آور است، اما با این وجود نمره D اصلاح شده کودکان ایرانی از کودکان اکسندر نیز پایین‌تر است که می‌تواند نشانگر پایین‌تر بودن توانایی معمول کودکان ایرانی در سروسامان دادن به رفتارهای خود و مهار آنها باشد.

بخش عاطفی

این بخش اطلاعاتی در مورد چگونگی سازمان دادن و بیان عواطف به دست می‌دهد. در این بخش انواع متغیرهای مربوط به رنگ از جمله پاسخ‌های رنگ خالص، فضای سفید و فراقکنی رنگ و نسبت عاطفی، نسبت شکل رنگ (FC:CF+C)، و پاسخ‌های ترکیبی وجود دارند.

شاخص نسبت عاطفی از خارج قسمت مجموع پاسخ‌هایی که به کارت‌های ۸، ۹، و ۱۰ داده می‌شود، بر مجموع پاسخ‌های داده شده به

بخش میانجی‌گری شناختی

بخش میانجی‌گری شامل مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای اندازه‌گیری گرایش آزمودنی به دادن پاسخ‌های سنتی و قابل قبول در برابر پاسخ‌های یگانه و غیرمعمول است (۲). در واقع شاخص‌های این خوشه به بررسی این مسئله می‌پردازند که پاسخ‌های فرد تا چه میزان با خصیصه‌های محرک لکه متناسب هستند. این بخش شامل ۶ شاخص شکل مناسب گسترش یافته، شکل نامعمول، شکل متعارف، شکل تحریف شده، شکل مناسب زمینه‌های شایع، و پاسخ رایج است (۲).

شاخص‌های شکل متعارف و شکل مناسب زمینه‌های شایع، اطلاعات مستقیمی در مورد اینکه تا چه میزان فعالیت‌های میانجی‌گری، پاسخ‌های متناسب با موقعیت را به وجود می‌آورند، آشکار می‌کنند. شاخص شکل متعارف شامل نسبت پاسخ‌های دارای تناسب شکل خوب به همه پاسخ‌های صورت جلسه کلی است و متغیر دوم شکل مناسب زمینه‌های شایع، تنها مربوط به پاسخ‌هایی است که به مکان‌های کل و جز داده شده‌اند (۷). در این بخش ما مشاهده می‌کنیم که در هر دو شاخص، کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسنر (۲۰۰۳) نمرات پایین‌تری داشتند؛ با این وجود، میانگین پاسخ‌های شکل متعارف و شکل مناسب زمینه‌های شایع در نمونه ایرانی به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۲ است که با توجه به اکسنر و واینر (۳)، این میانگین برای کودکان بهنجار بین ۰/۶۷ و ۰/۷۸ قرار دارد و در نتیجه این میانگین‌ها برای کودکان ایرانی در محدوده بهنجار قرار دارد. شاخص شکل تحریف شده، نشان‌دهنده این است که شخص تا چه اندازه ادراک خود را از واقعیت تحریف کرده است و شاخص شکل نامعمول، نشان‌دهنده درصد پاسخ‌های غیرمعمول است. شماری از پاسخ‌های شکل نامعمول ممکن است نشان‌دهنده سلامت باشند؛ بدین معنا که شخص می‌تواند دنیای خود را به شیوه‌ای نوین ببیند، اما تعداد بیش از حد آن نشان‌دهنده جهت‌گیری غیرسنتی فرد است (۷). در این بخش شمار پاسخ‌های شکل تحریف شده و شکل نامعمول در نمونه ایرانی بالاتر از نمونه اکسنر (۲۰۰۳) است، اما آیا این بالاتر بودن درصد پاسخ‌های شکل نامعمول و شکل تحریف شده می‌تواند به دلیل استفاده از اطلس نمونه اکسنر (۲۰۰۳) برای نمره‌گذاری پاسخ‌ها باشد؟ مطالعات در این زمینه نشان داده‌اند که در اغلب داده‌های هنجاری بیرون از ایالات متحده داده‌های کیفیت شکل نامعمول و کیفیت شکل تحریف شده بالا

غیرمعمول در نمونه کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسنر (۲۰۰۳)، محدود می‌شود.

بخش پردازش اطلاعات

پردازش اطلاعات یعنی فرایند ذهنی که در پی ورود اطلاعات به ذهن (درونداد) فعال می‌شود (۷). این فرایند با اسکن زمینه محرک آغاز شده و سپس زمینه اسکن شده به صورت تصاویر در حافظه کوتاه‌مدت ذخیره می‌شود. عوامل زیادی از قبیل انگیزه، صرفه‌جویی، نیاز به موفقیت، دفاع‌ها، حالات از پیش تعیین شده، یا نگرش‌های قبلی می‌توانند بر راهبردهای پردازش تأثیرگذار باشند. متغیرهای این خوشه شامل شاخص صرفه‌جویی (W:D:Dd)، شاخص اشتیاق (W:M)، کارایی پردازش، و درجامانگی است (۷).

در شاخص درجامانگی، وجود پاسخ‌ها در صورت جلسه کلی حاکی از وجود مشکلات در فعالیت پردازشی است. سه نوع پاسخ به‌عنوان درجامانگی کدگذاری می‌شوند (درون کارت، محتوا، مکانیکی) که شایع‌ترین آنها درجامانگی درون کارت است (۷). در اینجا نمره درجامانگی کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسنر (۲۰۰۳) بالاتر بود که می‌تواند نشانگر خشکی و انعطاف‌ناپذیری بیشتر نمونه ایرانی باشد که ممکن است به دلیل تفاوت‌های فرهنگی بین دو نمونه باشد.

شاخص کارایی پردازش، نه تنها اطلاعاتی در مورد تلاش فرد، که همچنین در مورد سهولت و دقت پردازش نیز اطلاعاتی در اختیار می‌گذارد؛ در واقع شاخص کارایی پردازش مشخص می‌کند که آیا میزان جمع حقیقی نمرات فعالیت سازمانی صورت جلسه کلی (ZSum) با جمع تخمینی (Zest) آن هماهنگی دارد، یا خیر (۲). در اینجا ما شاهد آن هستیم که میانگین کارایی پردازش هم در نمونه ما و هم در نمونه اکسنر (۲۰۰۳) پایین‌تر از ۳ است. پایین بودن میانگین کارایی پردازش نشانگر بی‌دقتی است؛ به عبارت دیگر سبک اسکن آزمودنی سریع و نامنظم است و اغلب بخش‌ها یا سرنخ‌های حیاتی که در زمینه محرک وجود دارد را نادیده می‌گیرد (۲). در کل این سبک پردازشی ممکن است ناشی از تفاوت‌های فرهنگی بین دو گروه باشد.

است که می‌تواند به دلیل استفاده از اطلس نمونه اکسنر (۲۰۰۳) باشد (۲۵). ماتسوموتو و همکاران (۶) نیز گزارش دادند که برخی از پاسخ‌های کودکان ژاپنی در جدول کیفیت شکل موجود نبوده، اما در پاسخ‌های کودکان ژاپنی مکرراً رخ می‌دهد، به‌طور مثال پاسخ صورت (انسان یا حیوان) به کل کارت II و یا پاسخ سوسک به کل کارت IV. در اینجا نیز پاسخ‌های قورباغه به جز DI کارت ۳ با فراوانی بالایی در بین کودکان ۱۲ ساله ایرانی مشاهده شد که با توجه به اطلس اکسنر باید جزء کیفیت شکل نامعمول یا کیفیت شکل تحریف شده نمره‌گذاری می‌شد. اما با توجه به گفته اکسنر و واینر (۳) که بیان کردند اگر پاسخی در اطلس کیفیت شکل وجود نداشته باشد ولی در پاسخ‌های مردم یک کشور یا فرهنگ، فراوان باشد، در آن صورت این پاسخ باید به پاسخ‌های اطلس اضافه شود و از طرفی هرگاه پاسخ کیفیت شکل در اطلس به‌عنوان غیرمعمول (U) ثبت شده باشد، اما در یک فرهنگ رایج باشد، باید به‌عنوان معمول (O) در آن فرهنگ ثبت شود و با داده‌ها با احتیاط مواجه شد و اطلسی برای نمره‌گذاری کیفیت شکل مطابق با شرایط فرهنگی و قومی تهیه شود. این کار نیازمند تنوع آزمایش‌های رورشاخ در نمونه‌های وسیع و سنین متفاوت است.

بخش خودپنداشت

این بخش اطلاعاتی در مورد امکانات و محدودیت‌های افراد فراهم می‌کند و شامل شاخص‌های انعکاسی (Fr+rf)، بعد شکل (FD) و شاخص خودمحوری $(3r+(2)/R)$ است. شاخص خودمحوری اطلاعاتی در مورد میزان احساس خود ارزشمندی فرد به دست می‌دهد (۲). در اینجا ما مشاهده کردیم که این شاخص در نمونه ایرانی پایین‌تر از نمونه اکسنر (۲۰۰۳) است که می‌تواند نشانگر خود ارزشمندی پایین کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسنر (۲۰۰۳) باشد. همچنین سطح خودارزشمندی پایین کودکان ایرانی ممکن است به دلیل تفاوت‌های فرهنگی میان دو نمونه باشد.

نمرات خاص

۶ نمره خاص بحرانی وجود دارند که برای تشخیص مشکلات تفکر مفهومی به کار می‌روند. هر یک از این نمرات نشان‌دهنده انواعی از نابسامانی‌های شناختی‌اند، اما در بازنمایی درجه مشکلات شناختی با یکدیگر متفاوت هستند. این موضوع باعث شده تا به هر یک از نمرات

خاص وزن مشخصی داده شود (۷). نمرات خاص، پاسخ انحرافی سطح ۱، ترکیب ناسازگار سطح ۱، و کلام انحرافی سطح ۱، اغلب بازتابی از حالت بی‌دقتی شناختی هستند. پاسخ‌های سطح ۱ ترکیبات ناسازگار و سطح ۱ کلام انحرافی در صورت جلسه کلی کودکانی که اغلب در رساندن منظور خود به دیگران دچار مشکل‌اند، شایع است. پاسخ‌های انحرافی سطح ۱ معمولاً بازنمایی کوشش دفاعی یا دودلانه آزمودنی برای گسست از تکلیف هستند. از طرفی پاسخ‌های سطح ۲ کلام انحرافی علامت وجود اشتغال ذهنی‌اند که با عملکردهای مفهومی فرد تداخل دارند (۷). از آن جایی که پاسخ‌های کلام انحرافی به عوامل فرهنگی مثل زبان فرد وابستگی بالایی دارند، نمره‌گذاری آنها در سطوح ۱ و ۲ باید با احتیاط انجام شود (۱۲). پاسخ‌های سطح ۲ ترکیبات ناسازگار معمولاً عجیب و غریب‌اند و بازتاب آسیب شدید در منطق هستند. پاسخ‌های انحرافی سطح ۲ نیز بازتاب مشکلات جدی در مهارت‌های ایده‌پردازی هستند. پاسخ‌های سطح ۱ ترکیبات افسانه‌ای بازتاب ارتباط مفهومی بسیار ضعیف و ترکیب‌های غیرمنطقی هستند و تنها زمانی رخ می‌دهند که تفکر زیاد واضح نباشد. از طرفی پاسخ‌های سطح ۲ ترکیبات افسانه‌ای بسیار عجیب و حاکی از اختلال شدید در مفهوم‌سازی هستند. پاسخ‌های منطق نامناسب بازنمای انواع استدلال‌های ساختگی و تحمیلی هستند که این پاسخ‌ها معمولاً بیشتر عینی هستند تا عجیب و غریب. پاسخ‌های آمیختگی به شدت نادر بوده و بازتاب شدیدترین نوع نابسامانی ایده‌پردازی هستند (۷). در صورت جلسه‌های کودکان، فراوانی این نمرات خاص بیشتر از بزرگسالان است و وجود این نمرات لزوماً دلیلی برای نگرانی نیست، به شرط آن‌که با فراوانی کمی رخ دهد (۷). در این بخش ما مشاهده می‌کنیم که کودکان ایرانی در تمامی نمرات خاص نمرات پایین‌تری نسبت به نمونه اکسنر (۲۰۰۳) داشتند و تنها در نمره منطق نامناسب، نمره کودکان ایرانی بالاتر از نمونه اکسنر (۲۰۰۳) بود که می‌تواند نشان‌دهنده عملکرد بهتر کودکان ایرانی در تفکر مفهومی با توجه به پایین‌تر بودن نمرات کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسنر در بیشتر نمرات خاص، و همچنین ضعف در استدلال کودکان ایرانی به دلیل بالاتر بودن نمره منطق نامناسب این کودکان نسبت به نمونه اکسنر (۲۰۰۳) باشد.

نمونه‌های بالینی و غیربالینی سایر گروه‌های سنی کودکان با محدودیت‌هایی مواجه است. همچنین عدم توجه به متغیرهای شناختی یا عاطفی آزمودنی‌ها در حین اجرای آزمون را می‌توان از دیگر محدودیت‌های این پژوهش محسوب کرد.

پیشنهاد می‌شود این پژوهش با نمونه گسترده‌تر با توجه به جنسیت و شرایط اجتماعی اقتصادی و همچنین در سنین مختلف و در شهرهای مختلف ایران با توجه به قومیت و فرهنگ‌های متنوع در درون کشور انجام شود تا امکان مقایسه نتایج با نمونه‌های غیر ایرانی فراهم شود و هم امکان مقایسه نتایج به شکل تحولی ممکن شود. همچنین پیشنهاد می‌شود به متغیرهای شناختی و عاطفی نیز در حین اجرای آزمون رورشاخ به منظور دریافت تأثیر آنها در شیوه پاسخ‌دهی به آزمون، توجه شود.

تشکر و قدردانی: این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم نقیسه هادئی در رشته روان‌شناسی بالینی دانشگاه شاهد با شماره پایان‌نامه ۹۸۶۱ پ است. همچنین مجوز اجرای آن بر روی افراد نمونه از سوی اداره آموزش و پرورش شهر تهران با شماره نامه ۱۲۶۳۷۰/۶۴ مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۵ صادر شده است. بدین وسیله از مسئولین اداره آموزش و پرورش مخصوصاً کارشناس هسته مشاوره که هماهنگی با مدارس جهت آموزش و پژوهش را انجام دادند و همچنین از کادر اداری، مربیان مدارس، و افراد نمونه که در اجرای این طرح به ما کمک کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع را برای نویسندگان به همراه نداشته است.

دو شاخص پرخاشگری و حرکت همیارانه بهتر است با هم بررسی شوند. نبود هر کدام از این دو شاخص نشانگر انزوای فرد است. برعکس اگر حرکت همیارانه، بالا و پرخاشگری پایین باشد، احتمالاً شخص در نظر دیگران فردی قابل اعتماد و همکاری کننده است و اگر حرکت همیارانه پایین و پرخاشگری بالا باشد، تعامل شخص با دیگران همراه با فشار و زورگویی است (۷). در اینجا هر دو نمره حرکت همیارانه و پرخاشگری کودکان ایرانی نسبت به نمونه اکسنر (۲۰۰۳) پایین‌تر است و نسبت حرکت همیارانه به پرخاشگری در نمونه ایرانی تقریباً با هم برابر است؛ در حالی که در نمونه اکسنر (۲۰۰۳) نسبت حرکت همیارانه بیشتر از پرخاشگری است که می‌تواند نشانگر همکاری بیشتر کودکان نمونه اکسنر نسبت به نمونه کودکان ایرانی باشد. این موضوع نیز می‌تواند نشانگر تفاوت‌های فرهنگی و پرخاشگری بیشتر در جامعه ایرانی باشد.

به‌طور کلی تفاوت‌های دیده‌شده در نتایج کودکان ایرانی با نمونه اکسنر (۲۰۰۳) به سادگی قابل تبیین نیست، هرچند ممکن است بتوان از تفاوت‌های فرهنگی سخن گفت اما باید توجه داشت که این موضوع به نوبه خود، نیاز به نمره‌گذاری‌ها و تهیه هنجارهای متناسب با یک قوم را گوشزد می‌کند. البته می‌توان از تلفیق یافته‌ها در فرهنگ‌های مختلف و رفتن به سوی نوعی نظام بین‌المللی نمره‌گذاری نیز سخن گفت. چنین امری در عین وجود مزایا، به نادیده گرفتن شرایط فرهنگی منجر می‌شود، اما نسبت به نمره‌گذاری اکسنر و تفوق آن بر هر نوع نمره‌گذاری می‌تواند برتری داشته باشد.

پژوهش حاضر به بررسی متغیرهای رورشاخ در نمونه غیربالینی کودکان ۱۲ ساله‌ی شهر تهران پرداخته است، بنابراین تعمیم نتایج به

References

1. John E, Exner J. The Rorschach: a comprehensive system, vol 1: basic foundations. Volume One edition. New York: Wiley; 1993. [Link]
2. Marnat GG. Handbook of psychological assessment. Passha sharifi H, Nikkho MR. (Persian translator). Fourth edition. Tehran: Sokhan; 2018. [Persian].
3. Exner JE, Weiner IB. The Rorschach: A comprehensive system, volume 3: assessment of children and adolescents. 2nd edition. New York: Wiley; 1994. [Link]
4. Allen J, Dana RH. Methodological issues in cross-cultural and multicultural Rorschach research. *J Pers Assess.* 2004; 82(2): 189–208. [Link]
5. Dana RH. Cultural identity assessment of culturally diverse groups: 1997. *J Pers Assess.* 1998; 70(1): 1–16. [Link]
6. Matsumoto M, Suzuki N, Shirai H, Nakabayashi M. Rorschach comprehensive system data for a sample of 190 Japanese non-patient children at five ages. *J Pers Assess.* 2007; 89(1): 103-112. [Link]
7. Exner J. The Rorschach: A comprehensive system (principles of interpretation). Hosseininasab A. (Persian translator). Tehran: Arjmand; 2013. [Persian].
8. Salcuni S, Lis A, Parolin L, Mazzeschi C. Rorschach comprehensive system data for two samples of nonpatient children from Italy: 75 aged 5-7 years and 148 aged 8-11 years. *J Pers Assess.* 2007; 89(1): 85-90. [Link]
9. Valentino MA, Shaffer TW, Erdberg P, Figueroa M. Rorschach comprehensive system data for a sample of 42 nonpatient Mexican American children from the united states. *J Pers Assess.* 2007; 89(1): 183-187. [Link]
10. Lis A, Salcuni S, Parolin L. Rorschach comprehensive system data for a sample of 116 preadolescents and 117 adolescent nonpatients from Italy. *J Pers Assess.* 2007; 89(1): 91-96. [Link]
11. Ribeiro RKSM, Semer NL, Yazigi L. Rorschach comprehensive system data from a sample of 211 nonpatient children in Brazil. *J Pers Assess.* 2012; 94(3): 267–275. [Link]
12. Tibon Czopp S, Rothschild-Yakar L, Appel L. Rorschach comprehensive system (CS) reference data for Israeli adolescents. *J Pers Assess.* 2012; 94(3): 276–286. [Link]
13. Jardim-Maran MLC, Pasian SR, Okino ETK. Normative study of Rorschach (Parisian school) for Brazilian adolescents. *Paidéia (Ribeirão Preto).* 2015; 25(62): 333–342. [Link]
14. Shairi MR. Comparing W, D, Dd and S scores of Rorschach and Piaget's operational test among subjects with concrete and abstract intelligence levels. *Clinical Psychology & Personality.* 2003; 1(1): 41–48. [Persian]. [Link]
15. Hosseininasab A, Mohammadi M, Jouzi S, Esmaeilinasab M, Delavar A. The comparison of Iranian normative reference data with five countries across variables in eight Rorschach comprehensive system (CS) clusters. *Iran J Psychiatry.* 2016; 11(3): 154–165. [Link]
16. Delavari M, Shairi MR, Asghari Moghadam MA, Shahni R. Investigation of Iranian non-clinical 9-year-old samples response to Rorschach test and its comparison with similar non-Iranian samples. *Journal of Psychological Science.* 2011; 10(37): 4-23. [Persian]. [Link]
17. Kashefi N, Shairi MR, Asghari Moghaddam MA. The comparison of Rorschach test variables in Iranian and non-Iranian non-clinical sample based on the Exners comprehensive system. *Journal of Developmental Psychology.* 2013; 9(36): 411–421. [Persian]. [Link]
18. Mohsenizade M, Shairi MR. Investigation of Iranian non-clinical 11-year-old children's response to Rorschach test and its comparison with similar sample of Exner (2003) [Thesis for Master of Science]. [Tehran, Iran] : Faculty of Humanity Science, Shahed University; 2013, pp: 87-107. [Persian].
19. Shairi M, Hadei N. Investigation of Iranian non-clinical 12-year-old children's response to Rorschach test and its comparison with similar sample of Exner (2003). *Journal of Psychological Science.* 2018; 17(65): 124–138. [Persian]. [Link]
20. Hamel M, Shaffer TW. Rorschach comprehensive system data for 100 nonpatient children from the united states in two age groups. *J Pers Assess.* 2007; 89(1): 174-182. [Link]
21. Meyer GJ. Exploring possible ethnic differences and bias in the Rorschach comprehensive system. *J Pers Assess.* 2002; 78(1): 104–129. [Link]
22. Peyghambari A, Shairi M, Tamannaifar M, Delavari M. Assessing the reliability of Rorschach test according to Exner's comprehensive system. *Journal of Personality & Individual Differences.* 2013; 2(3): 52-71. [Persian]. [Link]
23. Rahmani F. The validation of Rorschach depression index (DEPI) and coping deficit index (CDI). *Journal of Developmental Psychology.* 2005; 1(2): 16–30. [Persian]. [Link]

24. Rahmani F. Rorschach and information processing deficiency in depressed patients. *Journal of Developmental Psychology*. 2006; 2(7): 185-196. [Persian]. [\[Link\]](#)

25. Silva DR, Pires AA. One more datum on Rorschach form quality. *J Pers Assess*. 2011; 93(3): 316-322. [\[Link\]](#)

